

دکتر ناصرالدین صاحب الزمانی

هیپی گری ، عصیانی علیه تمدن ماشینی

مهمترین واقعه زمان ما ، واژگون شدن ارزش هاست و در متن این زمان است که هیپی ها ، حتی در نظام خانواده ها پیشرو تردیدند . در دنیای امروز ، هر لحظه خبر از پیشرفت تازه ای می شنویم ، انسان به کره ماه رفته است ، از ماه بازمین مکالمه تلفنی داشته است و خبرهایی از این هم بالاتر اما ، با همه این پیشرفتها ، عصر ما ، عصر واژگونی ارزشهاست ، عصر شکست بتها ، وسنتهاست ، در این عصر ، بتی و سنتی نیست که مورد تردید قرار نگیرد ، خانواده ، ادیان و پیشروترین جهان بینی ها مورد تردید قرار گرفته است .

شکستن سنتها و واژگون شدن اندیشه ها نتیجه خلاء آرمانی بود ، خلاء امید ، خلاء بی تکیه گاهی ، حاصل این خلاء دلهره و نگرانی است اینست که عصر ما عصر نگرانی هم میتوان خواند .

اینها که میگویم سخنان شاعرانه نیست ، این آسیب شناسی دقیق و روان شناسی عصر ماست امروز همه می پرسیم چرا ؟ چرا جهان با چنین وضعی روبرو شده است ؟ پاسخ اینست که بنیان گذاران تمدن

مادی مارا فریب داده اند درد و انقلاب بورژوازی و مارکسیستی، خلاف آنچه که وعده داده بودند به ثبوت رسید .

۴ - تبعیض اصلی

در اعلامیه ها و نیز در دو منشور ملل متحد که کشورهای سوسیالیستی و سرمایه داری آنرا امضاء کردند ، بما وعده دادند که بیماری بی سوادى و رنج و تنگدستی ریشه کن خواهد شد بما گفتند چهار تبعیض اصلی از بین خواهد رفت .

گفتند که مواد اعلامیه ها ، مانیفست و منشورها ، همه بر اساس برادری انسان ها نوشته شده و مویمو باجرا گذاشته خواهد شد گفتند تمام مردم جهان را از رفاه و ذخایر طبیعی و فرآورده های جهان تمدن بهره مند خواهند شد ، کینه جوئی بدخواهی و ستیزه جوئی از میان بر خواهد خاست و مردم با ایمنی جسمی و روانی زندگی خواهند کرد این ادعا ها رامی شود با توجه به بیان این تمدن بررسی کرد .

رشد سرطانی جنگ

پس از دو قرن وعده ، رشد سرطانی جنگ های جهانی و محلی ، در تاریخ بشری سابقه بوده است حاصل جنگ اخیر (جنگ دوم) ۴۰ میلیون کشته شده بود که آن جمله ۲۵ میلیون روسی بودند یعنی با احتساب جمعیت آن زمان روسیه ، از هر خانواده روسی يك نفر کشته شد و همین است که در اغلب فیلم ها هنوز «جنگ» مساله اصلی است و وحشت از دیوار برلن موج میزند .

حاصل اعلامیه های چپ و راست و شرقی و غربی ۷۰ میلیون معلول

و آواره و پناهنده است که گروه‌های وسیعی از آنان، برای آنکه خانواده خود را حفظ کنند، چریک شده‌اند.

نگاهی به آمار

سالانه ۲۲ میلیارد دلار خرج اسلحه سازی میشود و در این راه، اسلحه‌های هسته‌ای با قدرت فوق کشتار بوجود آمده است.

بیش از ۵۰۰ برابر قدرت انفجاری برای کره زمین در سال ۱۹۶۷ مواد منفجره وجود داشته است.

فقط یک پانصدم این قدرت کافی است که زمین را منفجر کند. در برابر هر سه نفر یک اسلحه گرم وجود دارد که قادر است صدها نفر را نابود کند.

در چنین وضعی دوسوم مردم جهان که شعبه‌ای از سازمان ملل گزارش داده است دچار گرسنگی و بیسوادی هستند در امریکا سالیانه دویست هزار نفر خودکشی می کنند یعنی بمراتب بیش از آنچه در ویتنام کشته می شوند در سوئیس، دانمارک سوئد و بطور کلی اروپا و امریکا و ژاپن به شعارهای تازه و پرجذبه تمدن مادی رسیده‌اند خودکشی نشان دهنده خلاء و درماندگی روانی بشر است.

در مسیر این تمدن، باید به آمارهای دیگری توجه کنیم:

۷۰ درصد بیماران به بیماریهای عصبی روان‌تنی مبتلا هستند که منشاء روانی دارد و دارای مظهر جسمی است نه منشأ جسمی.

جنایت در فاصله سالهای ۶۹ - ۶۰ صددرصد در امریکا افزایش یافته

است - امریکائی که به تمدن و جهان بینی مادی رسیده است.

قاچاق و مواد مخدر، با کمک وسایل ساخته شده بدست این تمدن بشدت گسترش یافته است .

اعتبار به الکل مصرف بی حساب قرصهای مسکن، رونق نوشته‌های کاذب روانشناسی که میلیون‌ها انسان بامید یافتن راه حلی برای دردهای روانی خود خریداران آنند شیوع آلودگی هوا، شیوع مسمومیت‌های عصبی از آمارهای جالب این عصرند .

در آمریکا بین ۳۰۰ تا ۳۵۰ تن داروی مسکن مصرف میشود و مصرف لیکوربه ۱۰ میلیون دلار می‌رسد .

چهار میلیون و نیم تن از الکل‌های فرانسه، گرفتار جنون الکل هستند، این رقم در آمریکا به پنج میلیون و نیم می‌رسد و در شوروی هم همین حد است که اخیراً حزب کمونیست به ضد آن به مبارزه پرداخته است .

در ایران با سه رقم سیگار مشروب الکلی و مواد مخدر، در حدود ۲ میلیون دلار پول خرج می‌شود سود دخانیات ایران ۶۱۵ میلیون تومان بود و مصرف آجیو در ایران به ۲۶ میلیون بטר رسیده است .

ما ۴۰۰ تا ۲۵۰ هزار معتاد داریم که سالانه ۹۲ میلیون دلار از پولشان بصورت ارز، از مملکت خارج می‌شد . یعنی ۷۶۰ میلیون تومان تریاک داخل کشور می‌شده است . در این مملکت روبه توسعه که مردمش پول ندارند کتاب بخرند، دو میلیارد ریال بابت مواد مخدر صرف می‌شود ، در حالیکه مجموع کتاب‌های منتشر شده، ۱۰ میلیون تومان کتاب آزاد و ۴۰ میلیون تومان کتاب درسی است. آلودگی هوا و خاک و زمین و اینهمه

دود و سوخت ترکیب مواد شیمیائی اگر همچنان ادامه یابد از تابش اشعه خورشید به زمین مانع خواهد شد و زمین بر اثر سردی به دوران فاتح یخبندان بر خواهد گشت . مواد تجزیه ناپذیری که در آب هار یخته می شود، آنرا آلوده می کند و دریا که از نظر منابع تغذیه امید انسان است، به مرور تمام جانوران خود را از دست خواهد داد . باز هادر روزنامه ها خواننده ایم که جانوران دریا دیوانه شده اند، این وضع صرفاً بر اثر مسمومیت آب بوجود می آید .

خاك مدام آلوده می شود، همین صابونی که دست های خود را هر روز با آن می شوئیم باعث آلودگی خاك است و مواد پلاستیکی که دور می ریزیم خاك را آلوده می کند و مانع رشد گیاهان می شود :

تمدن دود

اتم سفر زمین با دود و سوخت مواد شیمیائی آلوده شده است . ما در تمدن دود زندگی می کنیم تمدن دود و دم . انتشار اخبار مارا نگران می کند، نگرانی ها توسعه می یابد و باعث وحشت مردم می شود.

• آینده این تمدن دود مه آلود و تاریک است و برای آن هیچ بهشارتی نیست .

انسان آگاه نمی تواند نسبت به این تمدن خوشبین باشد. در نتیجه «دمگرا»ئی می کند و این دم را با حشیش و موادی مثل آن گسترش می دهد یعنی زمان حال خود را گسترش می دهد، زیرا روی آینده نمی تواند حساب کند .

بشریت همیشه در مورد نسل های آینده امیدوار بود، اما امروز

نسبت به نسل خودش هم تردید و ترس دارد . بشر برای نوع خودش مثل سرطان شده است، تمدن مادی، با تلاش در راه جلوگیری از دیان نفوس، به محدودیت ظرفیت خود اعتراف کرده است.

اما، در مقابل این مثال ها، سوداگران و مبلغان تمدن دود . میگویند قلب پیوند کرده اند. چرا همیشه قلب سیاه است که به سفید پیوند داده میشود و چرا سیاهان مانند خو کچه های هندی در آزمایشگاه مورد استفاده قرار می گیرند ؟ این را باید از جادوگران عصر دود پرسید .

تمدن در بی کفایتی خود، نخبه پرور شده است . رفاهی اگر هست برای سوگلی هاست . نه برای همه .

بن بست تناقض ها

این تمدن ، در بن بستنی از تناقض ها قرار گرفته است .
 تناقض اول : از يك طرف نیاز به مصرف بالا رفته و از طرف دیگر ترس از ازدیاد جمعیت بیشتر شده است . تولید سرسام آور است، اما جلو جمعیت سرسام آور را باید گرفت. تناقض دوم : توده گرایی اقتصاد مصرف ، در برابر نخبه گرایی مصرف صنعت و « ابرمرد » گرایی آزمونی تمدن مصرف کوشش دارد طبقات را از بین ببرد ، تکنولوژی افراد نخبه را جمع می کند و مساله گزینش و انتخاب را پیش می کشد . با این روش ، تست ها و آزمایش های گوناگون، در میان مثلا ۴ هزار و ۸۰۰ داو طلب خدمت در فلان شرکت فقط ۱۰ نفر را شایسته می شناسند .

تناقض سوم : تبلیغ آزادی در عین کنترل شدیدتر، تمدن دود ادعای

دمکراسی و آزادی می کند ، ولی همواره جاسوس میفرستد .
این تمدن در مقابل آنهمه وعده آزادی ، کنترل و نظارت بیشتری بر حریم های
شخص قائل می شود .

تناقض چهارم : دعوی و نیاز سوداگران به بخش و همه گیر شدن
دانش و در عین حال پنهانکاری اقتصادی و سیاسی همه کمیسیون های
اقتصادی محرمانه است .

اطلاعات سانسور می شود و بنا به مصالح امنیتی ، اطلاعات و حقایق
را پنهان می کنند . اینها اطلاعات و دانستنی های اساسی را که با سرنوشت
بشر بستگی دارد پنهان نگه می دارند .

این تمدن ، از یک طرف اصرار در آموزش بهداشت دارد و از طرف
دیگر «ابر مردان» را بویتمام می فرستد .

تمدن مادی باد و انقلاب بورژوازی و دموکراتیک خود ، تکیه گاه
آرمانی بشر را گرفت و هیچ تکیه گاهی به او نداد .
تکیه گاه باید در آینده وجود داشته باشد و چون بشر آینده
ندارد ، تکیه گاهی هم ندارد .

انسان به تعریف سارتر انسان و انهاده است اینست ، که چنین اندیشه ای
پیش می آید : هر چه هست توئی فقط تو .

آغاز هیپی گری

آغاز هیپی گری در فرانسه با همین فلسفه بود ، بشر ، رانده شده
از قلمرو خدای خود شد و در پی پیدا کردن خدای خود ، گرفتار

موسولینی ها ، هیتلرها ، و استالین ها شد .

پس از آن تنهائی پیش آمد و حاصل تنهای بشر دلهره و نگرانی
اوست و در مقام و موقع دفاعی قرار گرفتن .

در این مرحله است که تمدن زبون شده است . عاجز شده است
و به بی کفایتی خود اقرار کرده است . این تمدن قادر نیست به پرسش هائی
که خود برانگیخته است پاسخ گوید و تناقض های خود را حل . کند این
تمدن ، از انجام وعده هائی که داده و آرزو هائی که در دل ها بوجود
آورده ، عاجز مانده است .

همین عاجز ماندن ، موجی از عصیان و پر خاشگری علیه تمدن
دود بوجود آورده است و این ، بارها در تاریخ تکرار شده است .

هیپی گری عصیانی است علیه تمدن عاجز و استفراغ داروئی .
است که تمدن به خوردش داده است ، عصیانی علیه تمام اصول کلاسیک .
براین اساس ، قلندران پیشروان هیپی های ایران هستند ، کارل
مارکس نیز بانفی اصول لیبرال یسم یک هیپی بود . نتیجه هم باواژگونی
ارزش ها هیپی بود .

اینرا هم بدانیم که (هیپ) در اصطلاحات عامیانه غرب امریکابه

معنای فهمیده و عاقل و خردمند است و نه هیچی و پوچی .

نقطه نظر هیپی ، ایجاد شك در جامعه مغرور است و تأثیری در

تآثر ، ادبیات ، فلسفه و حتی طرز تفکر دانشگاهی پیدا است .